

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

گزارش هماهنگی هسته های کمونیست (CNC)

باسک و اسپانیا

برگردان: جنوب جهانی

فرستنده: علی مشرف

۲۳ مارچ ۲۰۲۵

نظم جهانی سرمایه‌داری در حال فروپاشی است

(۲)



نظم جهانی طراحی شده در پایان جنگ جهانی دوم در اروپا در حال فروپاشی است. یا سوسیالیسم یا بربریت

افزایش چشمگیر هزینه‌های عملیات نظامی خارجی و نفوذ صنایع تسلیحاتی خارجی

هزینه عملیات نظامی در خارج از کشور نیز به طور قابل توجهی افزایش یافته است و این اتفاق هم در دولت‌های سوسیالیست و هم در دولت‌های محافظه‌کار رخ داده است. علی‌رغم خروج نیروها از افریقا (مانند مالی در ماه مه) و برنامه‌ریزی برای خروج از عراق، این هزینه‌ها همچنان در حال افزایش هستند. بیش از ۶۰ درصد از کل این هزینه‌ها، یعنی ۱.۲ میلیارد یورو، که به طور مداوم در حال افزایش است، صرف مأموریت‌ها و مانورهای ناتو در اطراف روسیه می‌شود.

اعداد رسمی، هزینه‌های نظامی پنهان و مخفی شده در بودجه‌های سایر وزارتخانه‌ها را نشان نمی‌دهد. به عنوان مثال، بودجه وزارت دفاع برای سال جاری ۱۶.۱۵ میلیارد یورو بوده است، اما هزینه‌های نظامی اجراء شده در سال ۲۰۲۴ از ۶۰ میلیارد یورو فراتر خواهد رفت که تقریباً ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. بزرگترین بهره‌مند از این وضعیت، صنعت تسلیحات است که درگیر یک فرآیند شتابزده خصوصی‌سازی به رهبری نفوذ مجتمع نظامی-صنعتی ایالات متحده است. به عنوان مثال، می‌توان به فروش شرکت ملی سانتا باربارا به جنرال دینامیکس کامبت سیستمز گروپ، یکی از بزرگترین شرکت‌های تسلیحاتی ایالات متحده، در سال ۲۰۲۱ اشاره کرد. این شرکت به قیمت ۵ میلیون یورو فروخته شد که بسیار کمتر از ارزش واقعی آن بود، همانطور که سندیکای شرکت با موفقیت در دادگاه به آن اعتراض کرد. در ماه اگست ۲۰۲۳، شرکت چندملیتی راین‌متال با پرداخت ۱.۲ میلیارد یورو، تمام سهام شرکت اکسپل سیستمز اس.ای.یو - که قبلاً اکسپلوسیوس آلوسس نامیده می‌شد - را با کارخانه‌ها و دفاتری در اسپانیا خریداری کرد. راین‌متال در حال افزایش چشمگیر تولید و سود خود است و یکی از تأمین‌کنندگان اصلی ناتو و کشورهای عضو آن، به‌ویژه برای انتقال تسلیحات به اوکراین است. ممکن است تصور شود که راین‌متال یک شرکت المانی و ستونی برای حاکمیت نظامی اتحادیه اروپا است. اما واقعیت چیز دیگری است. سهامداران اصلی آن صندوق‌های سرمایه‌گذاری بزرگ و بانک‌های امریکائی مانند بلک راک، بانک امریکا، گلدمن ساکس و غیره هستند.

صنایع تسلیحاتی، همانند صنایع داروئی، دولت‌ها را به عنوان مشتریان اصلی خود می‌بینند و بهترین راه برای تضمین کسب‌وکار، کنترل و تحمیل تقاضا برای محصولات خود است. در اینجا نیز، مانند حوزه بهداشت، آموزش یا خدمات اجتماعی، شاهد "همکاری بخش خصوصی و عمومی" هستیم که در واقع به معنای رشوه دادن به سیاستمداران برای خرید محصولاتشان - سلاح یا اکسین - با قیمت‌های گزاف با پول عمومی است. لابی‌های قدرتمندی در سطح دولتی، کمیسیون و پارلمان اروپا وجود دارند که به‌طور رسمی شناخته شده‌اند و نمایندگان آنها در جلسات تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند. علاوه بر این، روابط چرخشی بین صنعت و نمایندگان نهادی ذی‌ربط وجود دارد که با رشوه‌های هنگفت تقویت می‌شود.

برای نشان دادن اثربخشی این لابی‌ها، می‌توان به چند مثال اشاره کرد. ماده ۴۱.۲ پیمان اتحادیه اروپا (ماستریخت - ۱۹۹۳) به‌طور صریح از تأمین مالی عملیات‌هایی که بر حوزه نظامی یا دفاعی تأثیر می‌گذارند، توسط بودجه اتحادیه اروپا جلوگیری می‌کند. با این حال، در ماه مه ۲۰۲۳، قانون حمایت از تولید مهمات - که تخصص راین‌متال است - با اکثریت قریب به اتفاق و به صورت فوری در پارلمان اروپا تصویب شد که شامل کمک‌های مالی به ارزش ۳۰۰ میلیون یورو تا سال ۲۰۲۵ است. اخیراً، پست کمیساریای امنیت و دفاع اروپا ایجاد شده است که توسط آندریوس کوبیلیوس، نخست‌وزیر سابق لیتوانی و یک جنگ‌طلب برجسته، بر عهده گرفته خواهد شد.

در مورد دولت اسپانیا، نه تنها در فروش شرکت‌های دولتی تسلیحاتی به سرمایه خارجی با قیمت نازل تردیدی ندارد، بلکه در حالی که به‌طور ریاکارانه از نسل‌کشی فلسطینی‌ها ابراز تأسف می‌کند، روابط نزدیکی با وزارت دفاع اسرائیل حفظ می‌کند. ماه گذشته، وزارت دفاع قراردادهایی را برای خرید تسلیحات با دو شرکت ال‌بیت سیستمز و نت‌لاین کامونیکیشن تکنولوژی‌ز (NCT) امضاء کرد که به‌طور مستقیم با کشتار مردم فلسطین مرتبط هستند. علاوه بر این، دولت اجازه می‌دهد تا کشتی‌هایی که تجهیزات نظامی را برای دولت صهیونیستی حمل می‌کنند، در بنادر اسپانیا پهلو بگیرند؛ به عنوان مثال، بین ماه‌های مه و سپتمبر امسال، ۱۱۸۵ محموله تجهیزات نظامی از ایالات متحده از طریق بندر آلجیراس ارسال شده است.

بحث درباره آماده‌سازی برای جنگ تنها به اتاق‌های مذاکره محدود نمی‌شود. چندین کشور در مرکز و شمال اتحادیه اروپا، از جمله المان، اقداماتی را برای دخالت دادن شرکت‌ها و مردم در جنگ اتخاذ کرده‌اند. در المان، "برنامه عملیاتی المان" منتشر شده و جلساتی با شرکت‌های حیاتی برگزار می‌شود. برخی نویسندگان شباهت‌های آن را با "عملیات بارباروسا" طراحی شده توسط المان نازی علیه اتحاد جماهیر شوروی شوروی مقایسه کرده‌اند.

پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ایالات متحده، وحشت در کمیسیون اروپا، بראکتر کشورهای عضو آن و صنعت تسلیحات فراگیر شد. اظهارات کم‌شور و شوق او نسبت به ناتو و قصد اعلام‌شده‌اش برای پایان دادن به جنگ اوکراین هر چه سریع‌تر، زنگ خطر را برای کسانی که بیشترین علاقه را به جنگ دارند، به صدا درآورد:

پست‌مدرن‌ها، سبزه‌ها و سوسیال دموکرات‌ها. با وجود اظهارات ساکن جدید کاخ سفید، هنوز زود است که بگوئیم آیا ستراتیژی امپریالیستی در رابطه با ناتو و اتحادیه اروپا به طور قابل‌توجهی تغییر خواهد کرد یا فراتر از محدودیت‌های بودجه‌ای و ظرفیت فشار عظیم لابی نظامی-صنعتی ایالات متحده تغییر نخواهد کرد. از سوی دیگر، می‌توان انتظار داشت که بخشی از الیگارشی امپریالیستی که تاکنون توسط حزب دموکرات نمایندگی می‌شد، تلاش کند اهداف خود را با هر قیمتی و با یا بدون دونالد ترامپ دنبال کند.

در هر صورت، پروژه گسترش قلمرو در امریکا، که باید به‌عنوان یک گام مهم در جهت رویارویی با چین در نظر گرفته شود، و همراه با صهیونیسم، پیشروی به سمت خاورمیانه بزرگ پس از سقوط سوریه، به‌وضوح در دستور کار امپریالیستی قرار دارد. در هر دو مکان، نه محور مقاومت در خاورمیانه و نه مردم امریکای لاتین آخرین حرف خود را نگفته‌اند.

طبقه کارگر باید با دقت به آنچه در پس پرده رخ می‌دهد، توجه کند تا از تضادهای شدیدی که بین جناح‌های مختلف الیگارشی رخ می‌دهد، بهره‌برداری کند. بیان این تضادها و میزان هراس نخبگان اروپایی از کنار گذاشته شدن در یک پروژه امپریالیستی متفاوت از حزب دموکرات که به نظر نمی‌رسد علاقه زیادی به ادامه جنگ با روسیه داشته باشد، در بیانیه اخیر وزیران امور خارجه بریتانیا، المان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و پولند آمده است. در این بیانیه، بر نقش ناتو، ضرورت تقویت آن و افزایش هزینه‌های نظامی تأکید شده و در عین حال روسیه دوباره شیطان‌سازی شده است. این بیانیه عجولانه توسط مجموعه‌ای عجیب از کشورها امضاء شده است: همه آنها عضو ناتو هستند اما کل ناتو نیستند؛ پنج مورد از آنها عضو اتحادیه اروپا هستند اما کل اتحادیه اروپا نیست زیرا اجماع وجود نداشته است؛ علاوه بر این، بریتانیا نیز که از اتحادیه اروپا خارج شده، به آنها پیوسته است. این بیانیه بیشتر نشان‌دهنده وحشت و ضعف است تا چیز دیگری. و نه تنها به دلیل آنچه ممکن است در ایالات متحده اتفاق بیفتد، بلکه به دلیل مخالفت فزاینده‌ای که مردم اتحادیه اروپا در رأی‌گیری‌های متعدد با برنامه‌های جنگ‌طلبانه آنها نشان می‌دهند. دموکراسی بورژوائی در همه جا در حال فروپاشی است و با ترکیب انفجاری بحران و جنگ بشدت آسیب دیده است. بی‌ثباتی سیاسی شدید فرانسه، تهدید تغییرات خارج از کنترل در انتخابات المان یا مخالفت با سیاست‌هایی که بسختی می‌توانند با تقلبات و تخلفات انتخاباتی و قضائی مانند مولداوی و رومانی خفه شوند یا با شورش‌های مسلحانه خیابانی مانند گرجستان سرکوب شوند، نمونه‌های خوبی از این موضوع هستند.

در حالی که ابهامات مربوط به سیاست خارجی ایالات متحده همچنان پابرجا است، در اتحادیه اروپا آشکارا در مورد چگونگی افزایش قابل توجه بودجه تسلیحات و چگونگی توجیه آن در برابر مردمی که هر روز بیشتر به فاجعه‌ای که سیاست‌های آنها به آن منجر می‌شود، آگاه می‌شوند، صحبت می‌شود. اورسولا فن در لاین پیشنهاد می‌کند که ۵۰۰

میلیارد یورو بدهی عمومی در ده سال آینده صادر شود، پولی که به خزانه صنایع تسلیحاتی خواهد رفت و البته توسط طبقه کارگر پرداخت خواهد شد.

"اقتصاد جنگی" تنها به معنای افزایش هزینه‌های نظامی نیست. جنگ و اقتصاد جنگی بخش‌های اساسی تخریب بزرگ و بازسازی مجددی هستند که بورژوازی امپریالیستی قصد دارد در تمام سطوح عملکرد اجتماعی و در تمام مناطقی که بر آنها تسلط دارد، به‌ویژه اتحادیه اروپا و ایالات متحده، انجام دهد.

توجیه چنین تجاوزاتی علیه طبقه کارگر مستلزم ساختن داستانی است که در آن تهدید جنگ قابل باور باشد و به تدریج افزایش یابد، به‌طوری که نارضایتی اجتماعی ایجاد شده مانع این روند نشود. به‌ویژه زمانی که در افق، نه تنها سقوط شرایط زندگی به‌عنوان نتیجه تعطیلی شرکت‌ها، گرانی و کاهش خدمات عمومی و مستمری‌ها، بلکه احیای خدمت سربازی اجباری نیز به وضوح ترسیم می‌شود؛ یعنی فرستادن جوانان پرولتاریا به جبهه برای جنگیدن و مردن در جنگ‌های بورژوازی امپریالیستی.

کنترول اطلاعات، یعنی دستکاری اطلاعات و سانسور، عنصر اساسی تبلیغات جنگی است. مأموریت اصلی آن در مبارزه ایدئولوژیک، ساختن یک دشمن خارجی است که تهدیدی بسیار جدی برای "وطن" و "تمدن غربی" باشد و به نظر برسد که برای نجات آنها باید جان فدا کرد. از آنجائی که چنین سخنرانی‌هایی معمولاً برای جوانان کارگری که به‌طور فزاینده‌ای مورد استثمار قرار می‌گیرند، قانع‌کننده نیست، نظامی‌سازی جامعه و تشدید سرکوب به‌عنوان بازدارنده‌ای برای کسانی عمل می‌کند که شروع به درک این می‌کنند که دشمن واقعی آنها در صندلی‌های وزارتخانه‌ها، شورای‌های اداری و هیأت‌مدیره‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و شرکت‌های چندملیتی نشسته است.

برخی داده‌ها می‌توانند افزایش چشمگیر نیروهای سرکوبگر برای مقابله با "دشمن داخلی" را نشان دهند. در سال ۲۰۲۳، تعداد نیروهای پولیس و گارد مدنی به ۱۵۶۴۰۰ نفر رسید که پولیس‌های خودمختار و شهری را شامل نمی‌شود. این بزرگترین نیروی سرکوبگر در تاریخ است، حتی از دوران دیکتاتوری نیز بیشتر. برای سال ۲۰۲۴ نیز ۵۵۰۵ پست جدید در نظر گرفته شده است. این افزایش بی‌سابقه در شرایطی که جامعه بشدت دلسرد شده و با وجود اخراج‌های گسترده و شغل‌های بسیار ناامن، اعتصابات بسیار کمی صورت می‌گیرد، به چه هدفی اشاره دارد؟

کووید، آزمایشی برای کنترول توده‌ها. برخی داده‌های جدید.

آن‌ها تنها به زور آشکار نیروهای سرکوبگر متکی نیستند. در زرادخانه آن‌ها آزمایشی بزرگ برای کنترول توده‌ها وجود دارد که همه‌گیری کووید نمونه‌ای از آن است. این آزمایش به طور همگن در تمام کشورهای عضو ناتو و با نظم و انضباط کمتر در سایر کشورها بسته به میزان نفوذ آن‌ها اجراء شد.

از آنجائی که [CNC] گزارش‌های مفصلی در این زمینه منتشر کرده است، ما در اینجا تنها به اطلاعات جدید و مرتبط اشاره می‌کنیم. آنچه تقریباً سه سال پیش پرسش‌ها و حدس و گمان بود، امروزه به داده‌هایی تبدیل شده است که از کشورهای مختلف به دست می‌آید.

*- در آلمان، اسناد محرمانه متعددی از مؤسسه روبرت کخ (RKI)، آژانس دولتی مسئول کنترول و پیشگیری از بیماری‌ها که ظاهراً به عنوان مرجع علمی برای تدوین معیارهای اعمال شده توسط دولت عمل می‌کرد، منتشر شده است. این اسناد نشان می‌دهند که روند کاملاً به عکس بوده است. دستورالعمل‌هایی را از دولت دریافت می‌کرد که نه علمی بلکه سیاسی بودند و این مؤسسه حتی با وجود مخالفت اکثر اعضای خود، آن‌ها را منتشر می‌کرد. علاوه بر

این، RKI در آزمایش‌هایی که در آزمایشگاه‌های سلاح‌های بیولوژیکی کشف شده توسط روسیه در اوکراین انجام می‌شد، شرکت داشت.

* - وزیر بهداشت هالند که بتازگی منصوب شده است، فلور آزما، اخیراً اظهاراتی داشته است که در آن ابراز تأسف می‌کند که خلاف وعده‌های انتخاباتی خود، مجبور است اقدامات وزارت خود را تابعی از تصمیمات ناتو کند. وی دقیقاً گفت: ما باید دستورات ناتو، امریکا و NCTV (سازمان دولتی هماهنگی امنیت ملی و مبارزه با تروریسم) را دنبال کنیم. کووید یک عملیات نظامی است.

* - ژنرال ایگور کیریلوف، رئیس نیروهای حفاظت رادیویی، کیمیا و بیولوژیک روسیه که اخیراً توسط اوکراین ترور شد، به شورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش داد که روسیه شواهدی در دست دارد مبنی بر این که در آزمایشگاه‌های سلاح‌های بیولوژیک امریکا در اوکراین، آزمایش‌هایی برای افزایش عملکرد میکروارگانیسم‌ها، از جمله ویروس کرونا، با نقض قوانین بین‌المللی ایمنی انجام شده است. شرکت‌های دارویی متعددی مانند فایزر، مدرنا، مرک و گیلید در این آزمایش‌ها دست داشتند. وجود این آزمایشگاه‌ها در اوکراین توسط ویکتوریا نولاند، معاون وزیر امور خارجه، تحت سوگند و در برابر سنای امریکا تأیید شد.

این آزمایش به ویژه در کشورهای عضو ناتو با موفقیت همراه بود. ثابت شد که ترکیب ترور، سانسور، رشوه و سرکوب، نتایج رضایت‌بخشی در کنترل جمعیت ایجاد می‌کند.

تحلیل جامع ضروری است. بحران، فاشیسم و جنگ، چهره‌های مختلف یک سکه هستند.

همانطور که CNC توضیح داده است، انجام یک تحلیل سیستماتیک از فرآیندهایی که ظاهراً بی‌ربط هستند اما بخش جدائی‌ناپذیر از تلاش الیگارش‌ی امپریالیستی برای طراحی یک ستراتیژی "خروج" از بحران هستند، ضروری است. این ستراتیژی شامل حملات وحشیانه به کل جامعه و به ویژه به پرولتاریا، بدون از دست دادن کنترل قدرت است. تحلیل جداگانه این فرآیندهای اقتصادی، بهداشتی، رسانه‌ای، محیط زیستی، مالی، پولیسی یا نظامی که بشدت به هم مرتبط هستند و بخشی از برنامه‌هایی هستند که بورژوازی برای مقابله با تشدید مبارزه طبقاتی طراحی کرده است، یک اشتباه بزرگ خواهد بود که هزینه سنگینی را بر طبقه کارگر تحمیل خواهد کرد.

مکانیسم‌های کنترولی مانند سانسور علیه "اطلاعات نادرست" و سرکوب آزادی بیان که از شبکه‌های اجتماعی حذف خواهند شد، اما همچنان توسط دستگاه‌های دولتی اجراء خواهند شد و در رسانه‌های بزرگ ادامه خواهند یافت، گذرنامه بیومتریک، پول دیجیتال، شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای و... به تدریج پیشرفت می‌کنند. علاوه بر این، نظامی‌سازی اجتماعی با هر بهانه‌ای مانند یک همه‌گیری جدید یا بحران اقلیمی، غذایی، مالی یا نظامی، در ستراتیژی امنیت ملی که در سال ۲۰۲۱ پس از تجربه کنترول اجتماعی در دوران همه‌گیری تصویب شد و در لایحه امنیت ملی که در حال بررسی در پارلمان است، تقویت شده است.

اظهارات هیستریک دولت‌های اروپایی در مورد پیشرفت راست افراطی یا فاشیسم، هیچ اعتباری ندارد، زیرا این دولت‌ها هستند که واقعاً به فاشیسم، یعنی فاشیسم حاکم بر اوکراین، بوجه می‌دهند، آن را آموزش می‌دهند و مسلح می‌کنند. آن‌ها همچنین فعالیت‌های صنفی و جنبش‌های اجتماعی را با دستگاه‌های سرکوبگر بی‌رحمانه سرکوب می‌کنند. باید به خاطر داشته باشیم که فاشیسم و جنگ، نمودهای جدائی‌ناپذیر بحران سرمایه‌داری هستند. بی‌رحمی سرکوب و تخریب در کد ژنتیکی سرمایه‌داری نهفته است که در بحران‌ها بدون هیچ پنهانکاری آشکار می‌شود. دقیقاً در امکان شناسایی سرمایه‌داری بدون نقاب، که قادر به انجام هر کاری در برابر طبقه کارگر است، بذر امکان نابودی

جنایتکارترین نظام اجتماعی تاریخ نهفته است و این وظیفه عظیم تنها توسط طبقه کارگر سازمان یافته و آگاه از وظیفه تاریخی خود و مجهز به نظریه و تجربه انقلاب های گذشته قابل انجام است.

طبقه کارگر با مشکل حیاتی آماده شدن برای پیروزی روبه رو است. راه سومی وجود ندارد؛ یا آنها یا ما. و برای تحقق پیروزی، اولین قدم افشای طرح های است که بورژوازی امپریالیستی برای تلاش برای گذر از بحران بدون از دست دادن کنترل قدرت طراحی کرده است.

اما این فقط به دانستن برای توضیح دادن مربوط نمی شود. ساخت حزب، به عنوان ابزاری سیاسی که نیرو و هوش پرولتاریا را سازماندهی می کند، سلاح ضروری است.

دانش و نیروی سازمان یافته، شرایط ضروری برای آن است که طبقه کارگر بتواند مأموریت تاریخی خود را که دقیقاً در شرایط بحران، همزمان به عنوان یک ضرورت فوری، ضروری و قابل تحقق نشان داده می شود، انجام دهد: نابودی سرمایه داری و ساختن سوسیالیسم.

۱۷ جنوری ۲۰۲۵